

## بررسی تحلیلی مبانی اسلامی خردورزی به عنوان یک هدف تربیتی

سیروس محمودی<sup>۱</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** خردورزی و به‌کارگیری توان فکر و اندیشه، آثار تربیتی ارزشمندی در ابعاد گوناگون شخصیت انسان دارد تا آنجا که آن را محور اساسی تعلیم و تربیت دانسته‌اند. بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که آثار خردورزی در همه ابعاد مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این نوشتار، بررسی مبانی اسلامی خردورزی است.

**روش تحقیق:** در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و از منابع کتابخانه‌ای و آیات قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام استفاده شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** اطاعت از حق و پرهیز از ظلم و ستم، ژرف‌اندیشی و نگرستن به عواقب امور، زهد نسبت به دنیا و رغبت به آخرت، تردید منطقی و مشورت با دیگران، فهم صحیح از دنیا و آخرت، دانش‌دوستی، آینده‌نگری، سعه‌صدر، عبرت‌گیری از حوادث و اعتدال در خواسته‌ها، از جمله اثرات به‌کارگیری عقل و خرد در سبک زندگی اسلامی است. خودپسندی، بی‌نیاز دانستن خود از عقل دیگران، هم‌نشینی با جاهلان، زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی، دنیادوستی، کبر، آرزوهای دورودراز، زیاده‌روی در شوخی و مزاح، زیاده‌روی در لهو (سرگرمی)، پیروی از هوای نفس، طمع و غضب آفت‌های عقل هستند. دین مقدس اسلام ضمن پذیرش حجیت عقل، محدودیت‌های عقل را نیز مورد توجه قرار داده است. در نگاه اسلام عقل بدون بهره‌گیری از وحی، بی‌ثمر است. بر این اساس، عقل، در پرتو راهنمایی و هدایت آموزه‌های دینی شکوفامی‌شود و می‌تواند از دیگر قوای آدمی، مانند خشم، شهوت و احساسات رهاشده و در جایگاهی فراتر، مهار و کنترل آن‌ها را در اختیار بگیرد.

**واژه‌های کلیدی:** عقلانیت و خردورزی، سبک زندگی، تعلیم و تربیت.

۱. دکترای علوم تربیتی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور، [sirous1218@yahoo.com](mailto:sirous1218@yahoo.com)

## ۱- مقدمه

برترین موهبتی که خداوند به انسان عطا فرموده، عقل است. «عقل» نوری رحمانی است که پیامبر درونی انسان شمرده می‌شود و به حسب ذات، مایل به خیرات و کمالات و خواستار عدل و احسان است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۱۹۱). عقل ملاک تکلیف و ثواب و عقاب است و به وسیله آن، حق از باطل و خیر از شر و راه از بیراهه تمیز داده می‌شود و زشت و زیبا، کمال و پستی و راستی و نادرستی تشخیص داده می‌شود (ابوطالبی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). در دیدگاه اسلامی بر اهمیت عقل و به کارگیری عقل در زندگی تأکید شده است به گونه‌ای که اندیشمندان تعلیم و تربیت یکی از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی را تکیه بر عقل و جنبه خردورزی انسان می‌دانند (شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۴۹). در واقع در بین جنبه‌های گوناگون وجود انسان، همچون جنبه‌های جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و تعامل و ارتباط فعال با یکدیگر، نقش جنبه عقلانی در اثرگذاری و غنی‌سازی دیگر جنبه‌ها، برجسته و متمایز است. باین وجود بُعد عقلانی و جنبه خردورزی انسان به خودی خود شکوفا نمی‌شود، بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل، نیاز به هدایت و پرورش دارد. از این رو پرورش عقلانی و ایجاد شرایط مناسب برای پرورش عقل و شناخت محدودیت‌های عقل ضرورت دارد (ملکی، ۱۳۷۹: ۵۰۲). در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی، آیه‌های قرآنی و احادیث و روایات مرتبط با عقل و خردورزی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و افزون بر مفهوم‌شناسی عقل، اهمیت و ارزش عقل در اسلام، ثمرات و به کارگیری عقل و محدودیت‌های عقل به اختصار تبیین شده است.

## ۲- مفهوم‌شناسی عقل

عقل در لغت به معنای امساک و استمساک یعنی بستن، بازداشتن و نگاه داشتن است. این معنا با عقال (زانوبند) که بدان شتر را مهار می‌سازند و با معقل که به معنای دژ و حصن است، تناسب دارد (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). متضاد کلمه عقل، واژه «جهل» است جهل در اصل به معنای «عمل بدون تأمل» یا «عمل ناسنجیده» است همان‌طور که در واژه عقل، مفهوم بازداری و کنترل مفید و ثمربخش نهفته است، واژه جهل حاکی از «بی‌گدار به آب زدن» است که عموماً به نتایج

زیانباری منجر می‌شود (باقری، ۱۳۸۳: ۱۶). راغب در مفردات می‌نویسد: اصل عقل، نگهداری وضع چیزی است و به دو چیز گفته می‌شود: اول، به قوه‌ای که آماده قبول دانش است که اگر انسان نداشته باشد، تکلیف از او ساقط است؛ دوم، به علمی که انسان به وسیله این قوه کسب می‌کند و این همان چیزی است که قرآن کافران را به خاطر تعقل نکردن، مذمت کرده است. در «المنجد» عقل به معنای «درک» آمده است و عقل به عنوان نور رحمانی در نظر گرفته شده است که نفس با آن اموری را درک می‌کند که با حواس ادراک نمی‌کند. در تفسیر المیزان، کلمه عقل به معنای بستن و گره زدن آمده و آن چیزی است که به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل تشخیص داده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۵۵/۴). در تعریف اصطلاحی عقل، عقل به عنوان ملکه و حالتی نفسانی در نظر گرفته شده که انسان را به سوی انتخاب خیر، و دفع و دوری از بدی‌ها و مفاسد دعوت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۱). در دیدگاه تربیتی اسلام، منظور از عقل آن استعداد یا نیرویی است که به وسیله آن انسان حقیقت را از خطا، حق را از باطل، سره را از ناسره و یا درست را از نادرست تشخیص می‌دهد و به شناخت کلی می‌رسد (حسینی، ۱۳۷۹: ۳۴).

### ۳- اهمیت و ارزش عقل در اسلام

عقل در قرآن و روایات اسلامی از اهمیتی ویژه برخوردار است. اهمیت و اولویت عقل و شمار روایت‌های مرتبط با آن، سبب شده است که نخستین بخش کتاب شریف «کافی» کتاب عقل و جهل نامیده شود. استاد مطهری (۱۳۶۸) در زمینه اهمیت عقل می‌نویسد: «اسلام دینی طرفدار عقل است و به نحو شدید هم روی این استعداد تکیه کرده است و نه فقط با آن مبارزه نکرده، بلکه از آن کمک و تأیید خواسته است». غزالی نیز عقل را عالم اعلای آدمیت می‌خواند و در تشبیهی شگفت، عقل را چشم ملکوتی انسان می‌خواند که آدمی با آن، در چشم برهم زدنی آسمان و زمین را درمی‌نوردد و تا ژرفای هستی نفوذ می‌کند و رمز و روح امور را درمی‌یابد (رفیعی، ۱۳۸۱: ۲۰۱).

قرآن کریم برای تعقل و خردورزی، اهمیت ویژه‌ای قائل است و آن را اساس انسانیت و زیربنای تربیت انسان، و ملاک و معیار امر و نهی دانسته است (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). در قرآن کریم بیش از

سیصد آیه وجود دارد که انسان را به تفکر و تعقل و تدبیر فرامی خواند: «افلا تتفكرون» (انعام، ۵۰)؛ «أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (بقره، ۴۴ و ۷۶)؛ «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره، ۳۷؛ یوسف، ۲)؛ «لَعَلَّكُمْ يَعْقِلُونَ» (بقره، ۱۶۴) و غیره (رفیعی، ۱۳۸۱: ۲۰۰).

قرآن در ملامت کفار می گوید «... کفار (از شنیدن و گفتن و دیدن آیات حق) کر و گنگ و کورند زیرا عقل خود را به کار نمی بندند» (بقره، ۱۷۱). برخی از آیات قرآن، کسانی را که از نیروی خرد خویش بهره نمی برند، سرزنش می کند: «به درستی که بدترین جنبندگان در نزد خدا مردمی هستند که تعقل نمی کنند» (انفال، ۲۲). قرآن در آیه ای دیگر یکی از علل جهنمی شدن انسان را فرو نهادن خردورزی می خواند: «و گویند اگر ما (به راستی) می شنیدیم و تعقل می کردیم هرگز در زمره اهل آتش نبودیم» (ملک، ۴). همچنین قرآن کریم، کسانی را که تن به تقلید کورکورانه می دهند، ملامت می کند: «... گویند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود آیا بایست آن‌ها تابع پدران باشند در صورتی که آن‌ها بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته اند» (بقره، ۱۷۰)؛ و نیز می افزاید که پیروی از نابخردان و وانهادن تعقل، سرانجامش گمراهی است «و گویند ای خدا ما اطاعت امر بزرگان فاسد خود را کردیم که ما را به راه ضلالت کشانند» (احزاب، ۶۷).

در منابع اسلامی بیان شده است که خداوند پیامبران را برای هدایت بشر فرستاد و از آنان خواست تا عقول مردم را مورد خطاب قرار دهند تا مردم از راه عقل، پیام وحی را دریافت کنند (ایمانی، ۱۳۷۸: ۳۴). ارزش عقل در کشف و شناسایی حقیقت، بدان حد مورد توجه بنیان گذاران اسلام بوده که اعلام شده است بین حاکمیت عقل و حکم شرع، ملازمه وجود دارد؛ بدین صورت که «کلما حکم به العقل حکم به الشرع و کلما حکم به الشرع حکم به العقل» یعنی هر آنچه را که دین تشریح یا تجویز کند، عقل نیز آن را تصویب می کند (حسینی، ۱۳۷۹: ۳۴).

#### ۴- نشانه‌های عاقلان (سیمای خردمندان)

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت عقلانی و پرورش قوه تفکر و اندیشه، از مبانی اصلی تربیت به‌شمار می آید و باید در تمام عناصر و ارکان نظام تربیت به‌عنوان پایه اصلی تربیت در

نظر گرفته شود و برای تحقق آن برنامه‌ریزی گردد؛ از این رو در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نشانه‌های عقل و خردورزی به‌خوبی توصیف شده است، در ادامه به برخی از این خصوصیات اشاره می‌شود.

#### ۴-۱- اطاعت از حق و پرهیز از ظلم و ستم

از کارکردهای خردورزی و نشانه‌های خردمندان، اطاعت از حق و حقیقت و پرهیز از ظلم و ستم و بی‌عدالتی است. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «خردمند کسی است که در مرتبه اجابت و اطاعت از حق تسلیم باشد». همچنین ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «کم عقل‌ترین مردم کسی است که بر زیردست خویش ستم نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲۸/۷۸).

#### ۴-۲- ژرف‌اندیشی و نگرستن به عواقب امور

یکی از نشانه‌های خردمندان آن است که به عواقب و کنه امور می‌نگرند و سپس تصمیم می‌گیرند. انسان خردمند فریب ظواهر امور را نمی‌خورد و در برابر آن‌ها تسلیم نمی‌شود بلکه در آن‌ها تعقل کرده و عاقبت آن‌ها را در نظر می‌گیرد. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بدانید که به‌درستی انسان خردمند کسی است که در عواقب امور نظر می‌کند» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶).

#### ۴-۳- زهد نسبت به دنیا و رغبت به آخرت

انسان عاقل نسبت به دنیا و مظاهر فریبنده آن رغبتی ندارد. این حالت، پیامد شناخت صحیح او از دنیا و آخرت است. وقتی انسان عاقل، آخرت باقی و پایا را با دنیای فانی و گذرا مقایسه می‌کند، بر مبنای عقل، دل از دنیا برمی‌کند و به آخرت رو می‌آورد. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «عاقل کسی است که نسبت به دنیای پست و از بین رفتنی، زهد می‌ورزد (به آن دل نمی‌بندد) و نسبت به بهشت گران‌قدر رغبت می‌ورزد». همچنین امام کاظم علیه السلام در توصیه‌ای به هشام فرموده‌اند: «ای هشام، عاقلان نسبت به دنیا زهد ورزیدند و میل به آخرت یافتند» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۸/۱).

#### ۴-۴- تردید منطقی و مشورت با دیگران

انسان خردمند به رأی و نظر خویش بسنده نمی‌کند و امور مختلف، حتی آراء و اندیشه‌های خود را جهت اطمینان بیشتر و استفاده از نظرات دیگران مورد واکاوی قرار می‌دهد (جعفری،

بررسی تحلیلی مبانی اسلامی خردورزی به‌عنوان یک هدف تربیتی

۱۳۷۵: ۶۲). امیر مؤمنان علیه السلام فرموده‌اند: «عاقل کسی است که رأی خویش را متهم گرداند و بدانچه نفس او برایش می‌آراید، اعتماد نکند» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶)؛ و در جای دیگر فرموده‌اند: «وظیفه عاقل است که رأی عاقلان را به رأی خود بیفزاید و علوم حکیمان را به علم خود ضمیمه کند» (همان).

#### ۴-۵- توجه به آرای مخالف

انسان خردمند نه تنها از مواجهه با آراء و اندیشه‌ها و نقطه‌نظرات مخالف با فکر و نظر خود نمی‌هراسد بلکه از آن‌ها استقبال می‌کند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «انسان خردمند با فکر درست و منطقی، از نظرات مخالف استقبال می‌کند» (همان).

#### ۴-۶- مدارا با جهل جاهلان

زکات عقل، تحمل کسانی است که از این نعمت بی‌نصیب یا کم بهره‌اند. البته تحمل جاهلان، مهارتی دشوار است که چه در مرحله قلبی و چه در مرتبه عملی باید با ممارست و تمرین کسب شود. اهمیت مدارا تا حدی است که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «عاقل‌ترین مردم کسی است که مدارایش با مردم بیش از دیگران باشد» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۰). همچنین امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «عقل انسان به وقار بسیار و تحمل نیکوی او شناخته می‌شود» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶).

#### ۴-۷- عبرت‌گیری از حوادث

از دیگر ثمرات گران‌بهای خردورزی، تجربه‌اندوزی و عبرت‌گیری و در نتیجه راهیابی درست در زندگی است. امیر مؤمنان علیه السلام در سفارش‌های تربیتی خود به فرزندش امام حسن علیه السلام فرموده‌اند: «افزون‌ترین عقل، یافتن قوت کسب عبرت است» (همان).

#### ۴-۸- فهم صحیح از دنیا و آخرت

عقل ابزار فهم درست و شناخت خود و خدا و جهان است و راه حقیقت را به روی انسان می‌گشاید و آدمی را به تدبیری درست در زندگی دنیایی و اهتمامی نیکو برای زندگی اخروی رهنمون می‌گردد. امیر مؤمنان در این زمینه فرموده‌اند: «انسان‌های عاقل، در برنامه‌ریزی و اداره معاش نیکوترین و در به اصلاح آوردن معاد باهمت‌ترین هستند» (همان).

## ۴-۹- دانش دوستی

انسان خردمند، دوستدار دانش و دانایی است و در تمام عمر از دانش اندوزی سیر نمی‌شود. امام علی علیه السلام در ترسیم سیمای خردمندان می‌فرماید: «دانش دوستی از فضایل خردمندان است» (همان).

## ۴-۱۰- اعتدال در خواسته‌ها

انسان عاقل در همه احوال، اهل اعتدال و میانه‌روی است و دچار افراط و تفریط نمی‌گردد. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «از نشانه‌های عاقل، همین بس که در خواسته‌هایش اعتدال ورزد» (همان).

افزون بر این، خدای متعال در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر ویژگی‌های صاحبان خرد را این گونه بیان نموده است: ۱- اجتناب از طاعت؛ ۲- گرایش به سوی خدا و خداپرستی؛ ۳- باقی ماندن بر فطرت الهی؛ ۴- تمییز حق و باطل، زیبایی و زشتی، رشد و گمراهی؛ ۵- انتخاب بهترین سخنان و عمل به آن (اعلایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵).

## ۵- آفات عقل و خردورزی

قوة عقل و خرد انسان به‌عنوان ارزشمندترین عنصر وجودی انسان، آفات خاص خودش را دارد که اگر انسان از آن‌ها غافل شود، ممکن است خسارت‌های جبران‌ناپذیری به انسان وارد کند. برای شناخت بهتر قدر و منزلت نور بی‌بدیل عقل، توجه به آفات آن، توجهی سودمند است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۵: ۷۷). در این بخش، برخی از آفات عقل را که در روایات معصومان علیهم السلام ذکر شده‌اند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۵-۱- عجب و خودپسندی

یکی از بزرگ‌ترین آفات عقل، گردن‌فرازی و خودپسندی است، بنابراین در تربیت عقلانی سیر دادن آدمی از خودبینی به خدایبینی و از خودخواهی به خداخواهی یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۳۳). امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: «خوشنودی تو از خودت، از تباهی عقل تو است» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶)؛ و باز در مذمت عجب و خودپسندی فرموده‌اند: «گرفتار عجب، کسی است که عقل ندارد» (همان).

### ۵-۲- بی‌نیاز دانستن خود از عقل دیگران

انسان خردمند، همیشه به کمبود معلومات خود اذعان دارد و همواره خود را به مشورت با انسان‌های عاقل نیازمند می‌داند. امیر مؤمنان در این باره فرموده‌اند: «بیشترین حماقت از آن کسی است که بپندارد عاقل‌ترین مردم است» (همان) و در جای دیگر فرموده‌اند: «نهایت عقل اعتراف به جهل است» (همان). بنابراین اکتفا نمودن به عقل خویش و بی‌نیاز دانستن خود از عقل دیگران و مشورت نکردن با دیگران، یکی از آفات خردورزی است.

### ۵-۳- هم‌نشینی با جاهلان

همان‌گونه که مشورت با صاحبان عقل، بهره‌مندی بیشتری از نور عقل را به ارمغان می‌آورد، هم‌نشینی با جاهلان نیز از عقل انسان می‌کاهد. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «کسی که با جاهلی هم‌نشین شود، از عقلش کاسته می‌شود» (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۹۹). هم‌نشینی با افرادی که بینش و منش آنان عاقلانه نیست، مانعی در برابر عقل و خرد فرد ایجاد می‌کند؛ پس انسان باید در انتخاب هم‌نشین، کمال دقت را به خرج دهد. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «برای عاقل سزاوار است که از هم‌نشینی با اهل شر و بدکاران بپرهیزد و بر هم‌نشینی با علما و نیکوکاران بیفزاید» (همان).

### ۵-۴- زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی

یکی دیگر از آفات عقل «افزون‌طلبی» است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «ضایع شدن عقل‌ها در طلب زیادی‌ها است» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶). افراد افزون‌طلب، همیشه نسبت به درآمد و دارایی خود ناراضی هستند و برای افزایش آن به هر عملی دست می‌زنند. امام علی علیه السلام در جای دیگر می‌فرمایند: «هنگامی که عقل‌ها کم شود، فراتر رفتن از حد بسیار شود» (همان). زیاده‌خواهی از نقص عقل برمی‌خیزد و گسترش آن، عقل را کم و در نهایت ضایع می‌کند.

### ۵-۵- دنیادوستی

دنیادوستی، از حجاب‌های مهم و غفلت‌زای عقل است که سبب می‌شود فرد، هدف اصلی زندگی را فراموش کند و به لهو و لعب مشغول گردد. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «سبب تباهی عقل، دوستی دنیا است» (همان).



دنیا مزرعه آخرت است و بهره بردن از دنیا و زینت‌های دنیوی، امری مباح است، اما دنیادوستی به فراموشی اهداف اساسی زندگی می‌انجامد و سبب می‌شود که فرد، قیامت و مرگ خود را فراموش کند و به‌سوی هلاکت کشانده شود.

## ۵-۶- کبر

«کبر» یعنی خودبزرگ‌ترینی و برتر پنداری خود نسبت به دیگران. کبر و غرور هرکسی را تهدید می‌کند و هراندازه کبر به قلبی داخل شود، به همان اندازه، عرصه بر عقل تنگ می‌شود. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «بدترین آفت عقل کبر است» (همان). امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرموده‌اند: «هیچ‌گاه در قلب کسی، چیزی از کبر داخل نمی‌شود، مگر آنکه به همان اندازه که کبر داخل شده است، از عقل او کاسته می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۸۶/۷۸).

## ۵-۷- آرزوهای دور و دراز

آرزوهای دنیایی و دل‌بستگی‌های واهی، آفتی گرانبار بر عقل آدمی است و انسان را به غفلت از واقعیات دچار می‌سازد. تربیت عقلانی با چنین آفتی میسر نمی‌گردد و تا این آفات از کشتزار نور خرد زدوده نشود، آدمی از کوری به بینایی و از گم‌گشتگی به راه‌یابی واصل نمی‌شود. امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: «بدانید که آرزوهای نفسانی، خرد را به غفلت وامی‌دارد و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶)؛ و باز فرموده‌اند: «کسی آرزوی دراز نپرورد، مگر آنکه در عمل کوتاهی کند» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶).

## ۵-۸- زیاده‌روی در شوخی و مزاح

کسی که شوخی و هزل به عادت دائمی او تبدیل شود، به تدریج از لحاظ شخصیتی، از جدیت و واقع‌بینی در امور زندگی دور می‌شود و ناخودآگاه با واقعیات زندگی و امور مربوط به سرنوشت خود نیز با واقع‌بینی برخورد نمی‌کند. امام علی علیه السلام در مورد رابطه «افراط در شوخی و مزاح با تعقل» فرموده‌اند: «کسی که شوخی کردن بر او چیره گردد، عقلش فاسد می‌شود» (همان)؛ و نیز فرموده‌اند: «بسیار شوخی کردن نشانه جهل است» (همان).

۵-۹- زیاده‌روی در لهو (سرگرمی)

خاصیت ذاتی لهو، غفلت‌زایی است و کثرت آن یعنی گذران اوقات بسیار زندگی به سرگرمی‌ها، زمینه را برای غلبه لهو و زوال عقل فراهم می‌کند. در چنین حالتی، تمام زندگی انسان رنگ و بوی غفلت می‌گیرد و غفلت جای ذکر می‌نشیند. امام علی علیه السلام در این مورد فرموده‌اند: «کسی که لهوش زیاد شود، عقلش کم می‌گردد» (همان)؛ و نیز فرموده‌اند: «عقل نیست آن کس که شیفته لعب و شیدای سرگرمی و خوشی خود شود» (همان).

۵-۱۰- هوای نفس

هوای نفس یکی از بزرگ‌ترین آفات عقل است و در روایات، هوای نفس را در تقابل کامل با عقل نهاده‌اند؛ بنابراین در تربیت اسلامی باید این زمینه فراهم شود تا عقل محور امور قرار گیرد و هوای نفس تسلیم آن شود. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «حفظ و نگهداری از عقل در مخالفت کردن با هوای نفس و روی گردانیدن از دنیا است» (همان). اگر میدان عمل آدمی از حاکمیت هوای نفس بیرون آید و قوای وجودی او تحت حکومت عقل قرار گیرد، انسان را به سوی کمال مطلق سوق می‌دهد و این عین رشد و تعالی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

۵-۱۱- طمع

طمع، بهره‌آدمی از عقل را می‌کاهد. در واقع، بیشترین مواقعی که عقل آدمیان سقوط می‌کند، زمانی است که برق طمع‌ها می‌جهد. امام علی علیه السلام نیز در این باره فرموده‌اند: «بیشترین قربانگاه‌های عقل، در هنگام طمع به وجود می‌آید» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۹).

۵-۱۲- غضب

خشم و غضب یکی از آفات و موانع مهم عقل است، انسان در هنگام خشم و غضب، تحت فرمان عقل نیست، از این رو تصمیم‌ها و اقدام‌هایش عاقلانه نیست. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «نابودی عقل، در میان انگیزه‌های شهوت و غضب است» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۱۱/۱۱)؛ و در جایی دیگر فرموده‌اند: «غضب عقل را تباہ می‌کند و از راه صواب دور می‌سازد» (همان).

## ۶- محدودیت‌های عقل در مکتب اسلام

در اسلام قلمرو عقل را در سه سطح می‌توان بررسی کرد:

۱- عقلانیت بنیادین: شناخت فلسفه زندگی و جایگاه حساس و استثنایی انسان در آن و شأن و جلالت عقل در تنظیم رابطه انسان با جهان و خدای متعال.

۲- عقلانیت ارزش‌ها: شأن عقل در تنظیم رابطه انسان و معماری اخلاقیات.

۳- عقلانیت ابزاری: مهندسی، اندازه‌گیری، نظم، پیش‌بینی و نقش عقل در محاسبات معیشتی، برای رسیدن به اقتصادی شکوفا و تمدنی آباد و مرفه.

عقلانیت اسلامی از هر سه سطح برخوردار است و در یک ترتیب منطقی، نخست یک پرسش اصلی و کلان درباره انسان و زندگی می‌پرسد و سپس هنگامی که سنگ بنای عقلانیت را گذاشت و مختصات اهداف و مبانی آن را آشکار کرد، ارزش‌های اخلاقی را تنظیم می‌کند و سرانجام به تأمین اهداف مادی و معنوی می‌پردازد؛ اما عقلانیت مدرن غرب تنها به سطح سوم محدود می‌شود (رحیم‌پور از غدی، ۱۳۸۷: ۳۵). افزون بر آن، در نگاه اسلام عقل بدون بهره‌گیری از وحی، بی‌ثمر است و نتیجه هر تصمیمی که بر اساس عقل بدون معنویت گرفته شود به سود رشد حقیقی انسان نخواهد بود (ملکی، ۱۳۷۹: ۴۸۸). مکتب اسلام ضمن پذیرش حجیت عقل، محدودیت‌های عقل را نیز مورد توجه قرار داده است؛ به‌عنوان مثال یکی از محدودیت‌های عقل نظری، درک ذات خداوند است. علاوه بر محدودیت‌های ذاتی عقل، برخی از عوامل بیرونی و درونی نیز وجود دارند که عملکرد عقل را تحت تأثیر قرار می‌دهند از جمله قوای شهوانی، احساس و عاطفه، آداب و رسوم اجتماعی، شرایط فرهنگی و اقتصادی، روابط بین فردی و غیره. از این رو بخشی از روش‌های تربیت عقلانی در اسلام، به مهار طغیان‌های نفسانی اختصاص یافته است. در واقع مهار طغیان‌های نفسانی یکی از شروط خردورزی است (صفایی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۲). بر این اساس، عقل در نگاه اسلام، در پرتو راهنمایی و هدایت آموزه‌های دینی معنا می‌یابد و می‌تواند از دیگر قوای آدمی، مانند خشم، شهوت و احساسات رها شود و در جایگاهی فراتر، مهار و هدایت آن‌ها را در اختیار بگیرد.

## ۷- بحث و نتیجه‌گیری

خردورزی در تربیت اسلامی جایگاهی بس والا و ارزشمندی دارد. دین اسلام همه جوانب خردورزی را مورد توجه قرار داده است و در موارد فراوانی انسان‌ها را به تعقل، تفکر و تدبیر در امور عالم دعوت نموده است و افرادی را که از قوه عقل خود استفاده نمی‌کنند و تن به تقلید کورکورانه می‌دهند را ملامت نموده و یکی از علل جهنمی شدن انسان را فرو نهادن خردورزی معرفی کرده است. در متون اسلامی، شرط صحت عبادت، داشتن عقل است و آنچه که مورد خطاب خداوند است، جنبه عقلانی وجود انسان است و پیامبران نیز برای بیداری عقل انسان‌ها برانگیخته شده‌اند و مخاطب اصلی آنان عقل انسان‌ها است. در برخی روایات از عقل به‌عنوان رسول باطنی یاد شده است که هدایت تکوینی انسان در گرو آن است و از منابع اصلی شناخت به‌شمار می‌رود. این‌گونه اشارات تأکیدی درباره تعقل و خردورزی و ارزش هدایتی و معرفت‌شناختی آن است. باین وجود، دین اسلام، عقل‌گرایی افراطی را نمی‌پذیرد و عقل را در حدی که واقعیت و ماهیت آن اقتضا می‌کند، معتبر می‌داند؛ از این رو، نسبت به محدودیت‌ها و کمین‌گاه‌های عقل هشدار می‌دهد و عقل را با همه علو مرتبه‌اش برای انسان کافی نمی‌داند و معتقد است که ناگزیر باید شرع و لطف حق، یار شود تا عقل بتواند آدمی را به سعادت برساند.

## منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹). بوشهر: مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی (للصدوق). تهران: کتابچی.
- ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۸). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- اعلائی، غلامحسین و همکاران (۱۳۹۱). «تحلیل عقلانی مطرح شده در آیات قرآن کریم». فصلنامه پژوهش در برنامه درسی. سال نهم، دوره دوم، شماره ۶، صص ۲۰-۳۷.
- ایمانی، محسن (۱۳۷۸). تربیت عقلانی. تهران: امیرکبیر.
- باقری، خسرو (۱۳۸۳). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- بنی هاشمی، سید محمد (۱۳۸۵). کتاب عقل. تهران: نیا.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۷). مبانی تربیت از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳). سیری در تربیت اسلامی. تهران: دریا.
- (۱۳۸۵). ماه مهرپرور (تربیت در نهج البلاغه). تهران: دریا.
- رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۸۷). عقلانیت. تهران: طرح فردا.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۶). غررالحکم و دررالکلم آمدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- رفیعی، بهروز (۱۳۸۱). آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سمت.
- جعفری، ابراهیم (۱۳۶۶). «بررسی جایگاه عقل در نظام تربیتی اسلام». رساله دوره دکتری، گروه علوم تربیتی. تهران: دانشگاه تربیت معلم تهران.
- حسینی، سید علی اکبر (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت اسلامی: مبانی، منابع و اصول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: امیرکبیر.
- صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۵). «بررسی اصل عقلانیت در منابع تربیتی و استلزومات تربیتی آن». مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اهواز، دوره ۳، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۱-۲۹.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کراچکی، محمدبن علی (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. به کوشش عبدالله نعمت. ۲ جلدی. قم: دارالذخائر.
- کلینی، محمد یعقوب (۱۳۸۸). اصول کافی. ترجمه جواد مصطفوی. تهران: اسماعیلیه.
- مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). «مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی». فصلنامه تربیت اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۱۵-۱۳۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). انسان کامل. قم: صدرا.
- ملکی، حسن (۱۳۷۹). «تربیت عقلانی در نهج‌البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن». فصلنامه تربیت اسلامی، سال اول، شماره ۴، صص ۴۸۱-۵۰۴.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ۲۸ جلدی، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.

